

تهیه و تنظیم: سرکارخانم مریم لاهوری - زبان آموز دوره مترجمی مدرس: مهندس باقری - طراح نقشه راه آیلتس



تاس بااساد باقری:

Email: motarjemi.4job@gmail.com Telegram channel: @ielts_roadmap

Site: bagheri.irlanguage.com

Phone: 09122988397

لغات و اصطلاحات درس اول

CD1 1 A Listen. What is Isabel doing today? How many siblings does Isabel have?

John: Are you waiting for someone?

Isabel: Yeah, my brother. He's going to give me a ride home. We're having a party for my grandmother. It's her 80th birthday.

John: That's nice. Do you have a large family?

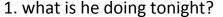
Isabel: I guess. Besides my mom and dad, I have three older brothers and two sisters.

John: Wow! You have a big family.

Isabel: Do you have any siblings?

John: No, I'm an only child. It gets lonely sometimes.

Isabel: Really? Sometimes, I want to be alone!



2. sibling

3. are you waiting for someone?

4. he is going to give me a ride home.

5. we are having a party for my grandmother.

6. do you have a large family?

7. I guess

8. Besides

9. I have three older brothers.

10. wow! You have a big family.

11. do you have any siblings?

12. I'm an only child.

13. it gets lonely sometimes.

14. I want to be alone.

15. Lonely

16. give someone a ride



۱ -او امشب قراره چیکار کنه؟

۲-برادر یا خواهر

٣-آيا شما منتظر کسي هستيد؟

۴-قراره من رو با ماشین برسونه خونه.

۵-قراره برای مادربزرگم مهمانی بگیریم.

۶-آیا خانوده ی پرجمعیتی دارید؟

٧-حدس ميزنم، گمان كنم، فكر كنم

۸-علاوه بر این

۹-سه تا برادر بزرگتر دارم.

۱۰ وااای، خانواده ی پرجمعیتی دارید.

۱۱-آیا خواهر یا برادر هم دارید؟

۱۲-تک فرزند هستم.

١٣ –بعضي وقتها تنها و غريب مي شود.

۱۴ -می خواهم تنها باشم.

۱۵ – تنها، بیکس، غریب، بی یار

۱۶ - کسی را با اتومبیل تا جایی رساندن

لغات و اصطلاحات درس دوم

•	Richard like?		-	TIV.
Andy: Who would be a good	d person for student u	union president?	-	III III
Kit: We need someone w	no has lots of good id	eas. How about	PR	STUDENT UNIO
Amy? She's a born lea	ader. People listen to l	her.		
Andy: And she's an optimist	. I like that			
Kit: There's also that new	student—Richard. Wh	nat do you think		
of him?			MES.	
Andy: Well, he's a lot of fun,	but he's kind of a kno	ow-it-all		
Kit: I guess you're right. L	et's talk to Amy and s	see if she's interested.		
B PAIR WORK Practice the				The day C.
the sentence	es below to the conve	rsation and practice it ag	jain.	
1. I don't think he'd be a go	od choice. 3. We r	need someone who is pos	sitive.	

- 1. who ...?
- 2. would be the best choice
- 3. student union president
- 4. good person
- 5. we need someone who has....
- 6. how about Amy?
- 7. she is a born leader
- 8. people listen to her
- 9. she is an optimist.
- 10. there is also that student-Richard-what do you think of him?
- 11. he is a lot of fun.
- 12. kind of.../sort of...

- ۱-چه کسی..؟
- ۲-بهترین انتخاب(گزینه) خواهد بود.
 - Ψ_{-} ییس اتحادیه دانشجویان
 - ۴-شخص خوب(مناسب)
- ۵-ما کسی را نیاز داریم کهداشته باشد.
- ۶-"ایمی" چطوره؟(نظرت درباره "ایمی" چیه؟)
- ۷ او بسیار مناسب رهبری (لیدر) است.(اصلا بدنیا
 - اومده برای رهبر بودن/ذاتاً رهبر بدنیا اومده)
- ۸–مردم به حرفش گوش میدن(از او حرف شنوی

دارند)

13. know-it-all

۹ او آدم خوش بینی است.

14. I guess you are right.

۱۰ –اون دانشجوعه ریچارد هم هست.نظرت

درباره اون چیه؟

15. Let's talk to Amy and see if she is interested.

16. I don't think he'd be a good choice

17. we need someone who is positive

18. do you have any ideas?

19. would he make a good leader?

20. president

21. Vice president

۱۱–اون که خیلی اهل شوخی و

خوشگذرانیه(معمولا وقتی کسی را اینگونه مورد

خطاب قرار میدهند معنای منفی هم بدنبال دارد به

این معنا که رفتارش جدی نیست و بیشتر بی مزه

بازی و شوخی است.)

۱۲-یه جورایی/یه نوع.../یه

جور.../كمى.../اندكى...

۱۳ - شخصی که در رفتارش اینگونه نشان می دهد

که از هرچیزی اطلاعات دارد و به هرچیزی آگاه

ست.

۱۴-گمان کنم که حق با شماست.

١٥-بيا تا با هم با "ايمى" حرف بزنيم و ببينيم كه

آیا علاقمند هست.

۱۶ - فکر نکنم که انتخاب خوبی باشه.

۱۷ –ما کسی را نیاز داریم(می خواهیم) که مثبت

گرا باشد.

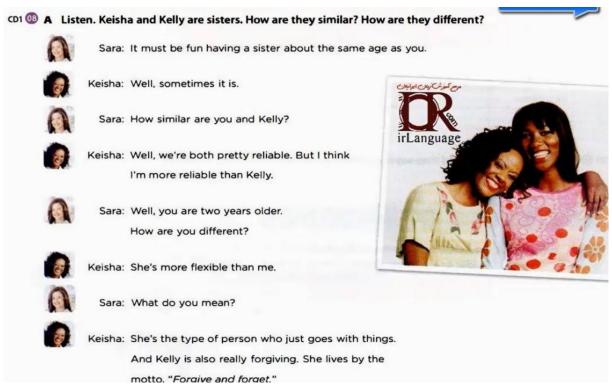
۱۸ – آیا هیچ نظری(ایده ای) دارید؟

۱۹ – آیا او رهبر (لیدر) خوبی خواهد شد؟

۲۰*–ر*ییس

۲۱–معاون، نایب رییس

لغات و اصطلاحات درس سوم



- 1. how are they similar?
- 2. how are they different?
- 3. It must be fun having...
- 4. The same age
- 5. as you
- 6. Well, sometimes it is.
- 7. How similar?
- 8. We are both pretty reliable.
- 9. I am more reliable than Kelly.
- 10. Well, you are two years older.
- 11. she's more flexible than me.
- 12. What do you mean?

۱ – آنها چقدر شبه اند؟

۲-آنها چقدر متفاوت اند؟

٣-داشتن....باید جالب باشد.

۴–هم سن

۵-مثل شما،عین خودت

۶-خب، بعضی اوقات هست.

٧-چقدر شبيه؟

٨-ما هر دو كاملاً قابل اعتماد هستيم.

٩-من از "كلى" قابل اعتماد ترم.

۱۰ - (آره) خب، شما دوسال بزرگتری.

13. Type of person who...

۱۱ –او از من منعطف تر است.

14. go with things

۱۲ -منظورت چیه؟

15. go with something

۱۳ - یه جور شخص/آدمی که....

16. I can go with your plan/offer.

۱۴ - توافق کردن و پذیرفتن چیزی با کاری

17. forgiving

18. She lives by the motto..

۱۵ -با چیزی یا کاری یا موقعیتی کنار آمدن و

19. motto

قبول کردن آن

20. Forgive and forget

- ۱۶ -با طرح/پیشنهاد شما کنارمیام(راه میام)/طرح
 - یا پیشنهاد شما را موافقم و می پذیرم.
 - ۱۷ بخشنده، باگذشت
 - ۱۸ ا او با این شعار (تکیه کلام) زندگی می کند.
 - ۱۹ –شعار، تکیه کلام
 - ۲۰-ببخش و فراموش كن.

لغات و اصطلاحات درس چهارم



۱. Keep

2. The change عبول خرد ۲–یول خرد

ع-پول خرد 3. salesclerk

۴ـ فروشنده مغازه ۳ـ فازه

ع-منم. على 1. You'll never guess what happened.

6. What? 7. Department store

10. too much change گردم. ۸-یک لباس جدید پیدا کردم.

۹_پولش را دادم. ۹

13. That would'nt be honest.

14. I gave it back.

21. Discount

۱۲ – آیا پول خرد هارو پیش خودت نگهداشتی؟

اد. درستی نبود.(صادقانه نبود) ۱۳–کار درستی نبود.(صادقانه نبود)

16. I didn't want her to lose her job.

17. She was so grateful.

16. I didn't want her to lose her job.

17. She was so grateful.

18. She offered me a special discount. المرط ميبندم خوشحال شد.

۱۶ -نمیخواستم کارشو ازدست بده.

۱۷ –خیلی سپاسگزار و ممنون شد. ۱'ve never experienced such

۱۸ – یه تخفیف ویژه هم به من پیشنهاد داد(تعارف skindness from a stranger before.

23. It's pretty amazing.
- تا بحال چنین محبتی رو از یک غریبه تجربه ۲۰ - تا بحال چنین محبتی رو از یک غریبه تجربه

عال چنین محبتی رو از یک غریبه تجربه 24. I know you'd do the same thing.

نکرده بودم(نکرده ام)

۲۱-تخفیف

کرد)

۲۲–پذیرفتن، قبول کردن

۲۳-کاملا شگفت انگیز (متحیر کننده) است.

۲۴-میدونم که شماهم همین کار رو میکردی.

Telegram:@ielts_roadmap در تلگرام به ما بییوندید

مرمع آموزش زبان ایرانیان

bagheri.irlanguage.com

مهندس باقری : مکالمه،مترجمی،آیلتس ۹۱۲۲۹۸۸۳۹۷

لغات و اصطلاحات درس پنجم

CDI (A Listen. What does Mira provide the hotel clerk? How long is she staying?

Mira: Hello. I'd like to check in, please. My name's Mira Abboud.

Hotel clerk: Yes, I have your reservation here, Ms. Abboud.

May I have your passport?

Mira: Here you are. By the way, is there wireless Internet in the room?

Hotel clerk: Yes, but for a fee. It's free in the lobby. Can I have

your credit card, please?

Mira: Sure.

Hotel clerk: Thank you. Let me confirm this for you. You have

a single room for four nights, checking out on the 16th.

Is there anything more I can do for you?

Mira: I don't think so. Thank you.

Hotel clerk: You're welcome. Enjoy your stay.



- 2. hotel clerk
- 3. How long is she staying?
- 4. I would like...=I'd like....
- 5. to check in
- 6. to check out
- 7. I have your reservation here.
- 8. may I have your passport?



۱ - تهیه کردن، مهیا کردن

۲-کارمند هتل

٣-چه مدت اقامت دارد؟(قصد داره بمونه؟)

۴-میل دارم...مایلم...میخواهم...

 Δ ورود به هتل و دادن مدارک-

۶-تسویه حساب و خروج از هتل

۷-رزرو شما را در اینجا دارم(یعنی تو سیستم ثبت 9. Here you are/there you go. شده که شما رزرو کردید.) 10. is there? ۸-میتوانم پاسپورت شما رو داشته باشم.(پاسپورت 11. wireless Internet تون لطفا) 12. yes, but for a fee. ۹ – (درهنگام دادن چیزی به کسی این دو اصطلاح 13. It is free of charge. ىكار ميرود) ىفرماييد. 14. It is free in the lobby. ١٠- آيا وجود دارد...؟ آياهست؟ 15. How much should I pay? ۱۱ –اینترنت بی سیم(وای فای) 16. Can I have your credit card? 17. by the way ۱۲ - بله ولى درقبال وجه (يول) 18. let me confirm this for you. ۱۳ –رایگان هست.(هزینه نداره) 19. to reserve=to book ۱۴ -داخل راهرو(لابی) رایگان است. 20. to confirm 21. To cancel ۱۵-چقدر باید بیردازم؟ 22. To postpone ۱۶ -میتونم کارت اعتباری شما رو داشته 23. checking in on the 10th of July and باشم؟(كارت اعتباري تون لطفا) checking out on the 14th. ۱۷ – راستی، در ضمن، میگم 24. (is there) anything else? ۱۸ ا اجازه بدهید آن را برایتان قطعی کنم(منظور 25. No, that's all. تایید و ثبت کردن رزرو بصورت قطعی درسیستم 26. is there anything more I can do for you? می باشد.) 27. I don't think so. ۱۹ –رزرو کردن 28. You are welcome. ۲۰ ـ تایید کردن، تشیت کردن 29. enjoy your stay. ۲۱-کنسل کردن،لغو کردن ۲۲-عقب انداختن،به تعویق انداختن،موکول کردن 30. enjoy your lunch. ىە زمانى دىگر 31. enjoy! ۲۳-ورود به هتل و دادن مدارک در روز دهم جولای و تسویه حساب وخروج در روز چهاردهم(جولای)

۲۴ –امر دیگری (هست)؟

براتون انجام بدهم؟

۲۵–نه،همش همینه.(نه کلا همین)

۲۶–آیا کار بیشتر(اضافه) دیگری هم دارید که

۲۷-اینطور فکر نمیکنم.(فکر نکنم)

۲۸-(دریاسخ به تشکر) خواهش میکنم.

۲۹ از اقامت تون لذت ببرید(اقامت خوبی داشته

ىاشىد)

۳۰ از ناهارتون لذت ببرید.(ناهار خوش بگذره)

۳۱-لذت ببرید(نوش جان)

لغات و اصطلاحات درس ششم



1. an important rule

۱ –یک قانون مهم

2. hostel=boarding house=pension

۲-مکانهایی که قیمت اقامت در آنها ارزان بوده و 3. guest 4. do something غذا هم به دانشجویان،مسافرین و کارگران سرو 5. here's your membership card. میکنند.(مهمانیذیر،یانسیون) 6. let me mention just... ۳_مهمان 7. make noise 8. after midnight ۴-کاری یا چیزی را انجام دادن 9. By the way ۵-بفرمایید این هم کارت عضویت تان 10. Is there a kitchen? ۶ اجازه دهید فقط خاطر نشان کنم /یاد آوری کنم 11. there is one on each floor. 12. You are allowed to use... ۷-شلوغ بازی در آوردن/سروصدا کردن 13. any time 14. so, I can cook? ۸-بعد از نیمه شب 15. help yourself ۹ – راستی، در ضمن 16. in the lobby all day. ١٠ - آيا آشپزخانه (هم) هست؟ 17. here is... ۱۱-در هرطيقه يكي وجود دارد. 18. here is your key. ۱۲ ا اجازه دارید که (از)....استفاده کنید. 19. I didn't know there were rules. ۱۳ –هرزمان،هرموقع،هروقت 20. Be sure to... ۱۴ – پس/با این اوصاف،میتونم آشیزی کنم؟ 21. Be sure to come. ۱۵ از خودت پذیرایی کن 22. Be sure to call me. ۱۶ –در لابی(راهرو) تمام روز 23. Be sure to keep it clean. ۱۷ –بفرمایید این هم.... 24. Enjoy your stay. ۱۸ -بفرمایید این هم کلیدتون 25. That means... ۱۹ –نمیدونستم (که) قوانینی وجود دارد. 26. That means no loud music. • ٢-حتما... 27. Loud 28. help yourself to tea ۲۱-حتما سا. ۲۲-حتما به من زنگ بزن. ۲۳-حتما تمیز نگهدارش(حتما آن را تمیز نگهدار ىد). ۲۴ از اقامت تون لذت ببرید(اقامت خوبی داشته

ىاشىد.)

۲۵–آن بدین معناست که.../یعنی اینکه....

۲۶ – یعنی اینکه صدای موسیقی بلند نباشه.

۲۷-(از نظر ارتفاع صوتی) بلند

۲۸ از خودت با چایی پذیرایی کن

لغات و اصطلاحات درس هفتم

CD1 1 A Listen. What three things are wrong in the hotel room? How does the hotel clerk solve the last problem?

Hotel clerk: Front desk. How can I help you?

Guest: Hi, I just checked in. There are some problems with my room.

Hotel clerk: Oh, sorry to hear that. What are the problems?

Guest: Well, first the bedside lamp isn't working at all.

Hotel clerk: It may need a new lightbulb.

Guest: That's what I thought. And the faucet in the bathroom is leaking.

Hotel clerk: OK. I'll get someone to come and look at it right away.

Guest: Thank you. And one more thing. There are no towels in

the bathroom.

Hotel clerk: I'll ask housekeeping to send you some now.

Guest: Great. I really appreciate it.

Hotel clerk: Thank you for your patience.

1. what three things are wrong in the ۱ – سه تا از ایرادهایی (مشکلاتی) که در اتاق هتل hotel room? وجود دارند چی هستند؟ 2. Hotel clerk ۲-کارمند هتل 3. How....? ٣-چگونه.../ چطوري...؟ 4. solve 5. the last problem ۴-حل کردن 6. Front desk ۵–آخرین مشکل 7. How can I help you? ۶ –میز پذیرش(ورودی هتل) 8. hi, I just checked in. 9. There are some problems with my ۷-چطور میتونم کمک تون کنم؟(چه خدمتی از من room. برمیاد؟) 10. sorry to hear that. ۸-سلام من تازه وارد هتل شده ام(مدارک را 11. What are the problems? تحویل داده و در سیستم ثبت شده ام) 12. beside lamp ٩ اتاق من يه چندتا مشكل داره. 13. It is not working at all. · ۱ -متاسفم که این رو میشنوم. 14. It may need a new lightbulb. ۱۱-مشکلات چی هستند؟ 15. That's what I thought. 16. The faucet is leaking. ۱۲ –لامپ کنار اتاق (آباژور) 17. bathroom ١٣ -اصلا كار نمى كند. ۱۴ -ممكنه كه لامب برق جديد نياز داشته باشد. ۱۵-چیزی است که من فکر کردم(به ذهنم رسید) 18. I'll get someone to come and look at it right away. ۱۶ - شیر آب داره چکه میکنه (نشتی دارد) 19. One more thing ۱۷ –حمام، سرویس بهداشتی(حمام و دستشویی) 20. there are no towels in the ۱۸-یکی رو میگیرم که الساعه بیاد و نگاهی بهش bathroom. 21. I'll ask housekeeping to send you some now. ۱۹-په چيز ديگر، په چيز پيشتر،په مورد ديگه 22. Some ۲۰-حوله (دستمال کاغذی) هم در حمام وجود 23. I really appreciate it. ندار د(نیست.) 24. Thank you for your patience. ۲۱ –از قسمت اتاقداری (واحد مرتب سازی و تمیز كردن اتاق ها) ميخواهم كه چندتايي الان براتون

ىفر ستند.

۲۲-چندتایی، قدری

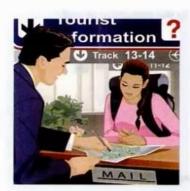
۲۳–واقعاً سپاسگزارم(ممنونم)

۲۴ از صبرو شکیبایی تون تشکر میکنم.



لغات و اصطلاحات درس هشتم

CD1 20 A Listen. Where does Laura want to go? Who is going to mail the postcards?

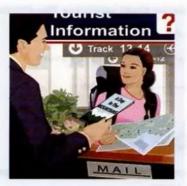


Laura: Hi. Do you have a city map?

Agent: Here you go.

Laura: Thank you. Is it far to the museum?

Agent: No. I can draw the route for you if you'd like.



Laura: That would be great. And do you have information on day trips to the mountains?

Agent: Yes. A tour bus company does that. . Laura: That sounds great.



Agent: Is there anything else I can help you with?

Laura: Yes. Where can I mail these postcards?

Agent: Do you want me to mail them for you?

Laura: Sure. I'd appreciate

that. .

B PAIR WORK Practice the conversation. Then find the best places to add the sentences below to the conversation and practice it again.

1. The tour is \$42.

3. But I want to try the walking tour.

2. Thank you for all your help. 4. It's my first day here.

- 1. Where does she want to go?
- 2. to mail
- 3. postcards
- 4. Do you have a city map?
- 5. Here you go/there you go.
- 6. is it far to the museum?
- 7. draw
- 8. route
- 9. if you would like=if you'd like
- 10. That would be great.
- 11. information
- 12. day trips to...
- 13. tour bus company
- 14. the mountains
- 15. that company does that.
- 16. That sounds great.
- 17. is there anything else?

۱-آن خانم کجا میخواهد برود؟

۲-یست کردن

٣-كارت يستال ها

۴-آیا نقشه شهر را دارید؟

۵–(موقع دادن چیزی به کسی) بفرمایید

۶-تا موزه خیلی راهه(دور هست)؟

۷-ترسیم کردن/کشیدن

٩ – اگر مایل باشید (دوست داشته باشید)

۱۰ –عالی میشه.

١١ –اطلاعات

۱۲ – سفرهای سیاحتی یک روزه به مقصد....

۱۳ - شرکت اتوبوسرانی سیاحتی(گردشی)

18. do you want me to mail them for

you?

19. Sure

20. I would appreciate it./ I'd appreciate

it.

۱۴-مناطق کوهستانی

۱۵-آن شرکت این کار را انجام میدهد.

۱۶ – عالى ىنظر مياد (عاليه)

۱۷ –امر دیگری هست؟

۱۸-آیا میخواهید که من براتون آنها را پست

کنم؟

١٩-بطور حتم،قطعا

@ielts roadmap

۲۰-ممنون میشوم /قدردانی میکنم /سپاسگزارم.

لغات و اصطلاحات درس نهم

CDI 2 A Listen. What doesn't Anne like about her town? What does Mark need to do this weekend?

Mark: So, what's it like living here? It looks like a convenient place to live.

Anne: Oh, it is. The only thing is there's a lot of construction. But I really like it, and everything I need is close by.

Mark: Sounds great! Actually, I need to do a few things this weekend. Do you know where I can get a haircut?

Anne: I'd go to Paul's Hair Salon just down the street. It's really popular.

Mark: And do you know if it's expensive?

Anne: I don't think so. A haircut is \$20 or so.

Mark: That's not too bad. Where is it?

1. what does he like about his town?

Anne: It's next to Super Foods. You can take a bus there.

2. what does he need?

3. what does he need to do?

4. this weekend

5. So

6. What's it like living here?

8. Convenient

9. the only thing is...

7. It looks like a convenient place to live.

10. There is a lot of construction.

۱ –او چه چیز درباره شهرش را دوست دارد (از چه

چيز شهرش خوشش مياد)؟

۲ او چه چیزی نیاز دارد/احتیاج دارد؟

٣-او چه چيزې نياز دارد که انجام دهد؟

۵-خب،راستی،...

۴-آخر این هفته

۶-زندگی کردن دراینجا چطوره؟

۷-مثل یک مکان راحت و خوب برای زندگی

11. I really like it.

12. everything I need is close by. ۸-مکانی که به جاهای دیگر دسترسی دارد مثلا به

13. close by

14. Sounds great

15. Actually

16. A few things

17. To do

18. Do you know?

19. get a haircut

20. hair salon

21. down the street

22. It is really popular.

23. Do you know if it's expensive?

24. I don't think so.

25. A haircut is \$20 or so.

26. or so.

27. it is next to...

28. You can take a bus there.

29. Construction

بازار،مترو،مراکز خرید و... نزدیک است.

٩-تنها چيز اينه که...

کر دن است.

۱۰ –ساخت و ساز زیادی هست(وجود

داره)/ساختمان های زیادی اینجا هست.

۱۱ –من واقعا دوستش دارم(ازش خوشم میاد)

۱۲ – هرچیزی که نیاز دارم همین دوروبر(نزدیکی

ها) هست.

۱۳-نزدیک/فاصله نزدیک

۱۴ –عاليه

۱۵ –حقیقت امر،واقعیت امر

۱۶ - یه چندتا کار

۱۷ –انجام دادن

۱۸ – آیا میدونید (اطلاع دارید/بلدید)؟

۱۹ –کوتاه کردن موی سر

۲۰-آرایشگاه/سالن زیبایی

۲۱-پایین خیابان

۲۲-واقعا معروفه/محبوب/مردمي است.

٢٣ -اطلاعي داريد كه آيا گرانقيمت است (يا خير)

۲۴-فکرنکنم/اینطور فکر نمیکنم.

۲۵-کوتاه کردن موی سر حدوداً بیست دلار است.

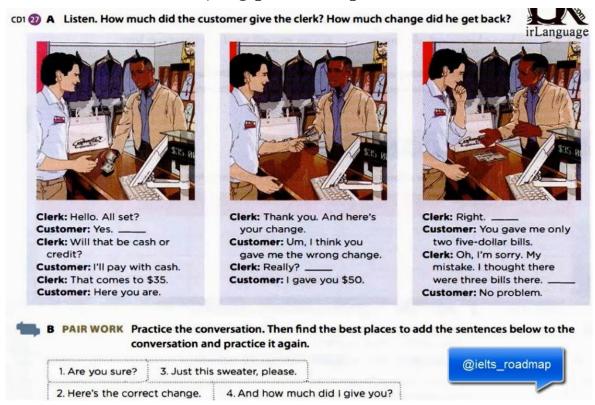
۲۶–حدوداً

۲۷-نزدیک.../جنب..../بغل....است.

۲۸-میتونید تا اونجا با اتوبوس بروید.

۲۹ ـ ساخت و ساز، عمارت و بنا، ساختمان

لغات و اصطلاحات درس دهم



- 1. How much?
- 2. Customer
- 3. give
- 4. Clerk5. Change
-
- 6. get back
- 7. All set?=ready?
- 8. Will that be cash or credit?
- 9. I'll pay with cash.
- 10. That comes to \$35.
- 11. here you are.
- 12. here's your change.
- 13. I think you gave me wrong change.
- 14. Really?
- 15. I gave you \$50.
- 16. two five-dollar bills.

۱-چقدر؟

۲_مشتری

۳–دادن

۴-کارمند،فروشنده مغازه

۵-پول خرد(اسم)،خرد کردن پول(فعل)

۶_پس گرفتن

۷–آماده است؟

۸-بصورت نقد یا بصورت اعتباری خواهد

بود؟(نقدی یا با کارت اعتباری؟)

۹-نقدی پرداخت میکنم.

۱۰ –میشه ۳۵ دلار.

۱۱ –(موقع دادن چیزی به کسی) بفرما

۱۲ ااین هم یول خردتون(این هم مابقی یول تون)

17. Can you change a dollar bill?

18. my mistake.

۱۳ –فکر کنم بقیه پول رو اشتباه دادید(فکر کنم

یول خرد اشتباه به من دادید)

19. I thought there were three bills there.

20. Are you sure?

21. Just this sweater, please.

22. correct change.

23. How much did I give you?

۱۴ –واقعا؟

۱۵–من بهتون ۵۰ دلار دادم.

۱۶ – دو تا اسکناس پنج دلاری

۱۷ –میشه یک اسکناس یک دلاری را برایم خرد

کنید؟

۱۸ –اشتباه من

۱۹ –فکر کردم که اونا(آنجا) سه تا اسکناس

بود(فکر کردم سه تا اسکناس دادم)/فکر کردم سه

تا اسكناسه.

۲۰-مطمئنی؟

۲۱-فقط این ژاکت(پلوور)

۲۲-پول خرد درست(صحیح)/بقیه پول درست

۲۳-بهتون چقدر دادم؟

لغات و اصطلاحات درس یازدهم

CD1 29 A Listen. When is Heather's appointment? What time should she arrive?

Receptionist: Good morning. Dr. Kim's office.

Heather: Hello. I'd like to make an appointment to see Dr. Kim.

Receptionist: What is your name, please?

Heather: Heather Jenson.

Receptionist: I can get you an appointment this Thursday.

Can you come in at 11:15?

Heather: Um...I'd prefer something in the afternoon.

Receptionist: Would you be able to come in on Friday at 3:30?

Heather: Let me see...yes, that's fine.

Receptionist. OK. So your appointment is with Dr. Kim at 3:30 on Friday the 20th.

Please come about 15 minutes early.

Heather: Great! Thank you.

1. Appointment

2. Make an appointment

3. Have an appointment

4. Postpone an appointment

5. Confirm an appointment

۱ –قرارملاقات، وقت ملاقات

۲-قرار ملاقات گذاشتن(گرفتن)

۳-قرارملاقات داشتن

6. Cancel an appointment

7. I'd like...= I would like...

8. I have an appointment with...

9. I can get you an appointment tomorrow night at 8.

10. come in

11. Can you come in at 8?

12. I'd prefer something in the afternoon.

13. Would you be able to come in on Friday at 3?

14. let me see...that's fine.

15. So, your appointment with Mr.Ahmadi is at 3 on Friday the 20th of July.

16. please come about 15 minutes early.

17. Great, thank you.

۴-قرار ملاقات را عقب انداختن

۵-تایید کردن (نهایی کردن) قرار ملاقات

8 –لغو كردن قرار ملاقات

٧-دوست دارم/تمايل دارم/ميخواهم..

۸-با...قرار ملاقات دارم.

٩-یک وقت(وقت ملاقات،قرار ملاقات) میتونم

بهتون بدم فرداشب ساعت هشت.

۱۰ – تشریف بیاورید/بیایید.

۱۱ –میتونید ساعت هشت تشریف بیاورید(بیایید)؟

۱۲ – ترجیح میدم یه چیزی(وعده ملاقات) تو بعداز

ظهر باشه.

۱۳ –میتونید (قادر هستید که) جمعه ساعت سه

تشریف بیاورید؟

۱۴ –اجازه بده ببینم...خوبه.

۱۵ – خب(یس)، قرارملاقاتتون با آقای احمدی شد

ساعت سه جمعه بیستم جولای.

۱۶ ـلطفا یک ربع زودتر تشریف بیاورید.

١٧ –عاليه، ممنون

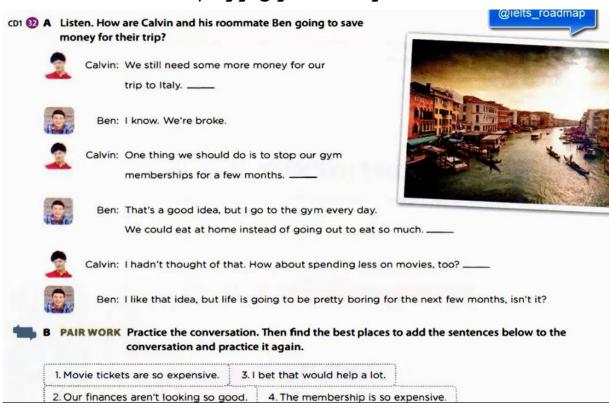
Telegram:@ielts_roadmap در تلگرام به ما بییوندید

مرمع آموزش زبان ایرانیان

bagheri.irlanguage.com

مهندس باقری : مکالمه،مترجمی،آیلتس ۹۱۲۲۹۸۸۳۹۷

لغات و اصطلاحات درس دوازدهم



1. roommate

3. Trip

۱ –هم اتاقی

2. Save money

۲–پس انداز کردن پول

4. We're broke.

۳-سفر کوتاه

۴-ما ورشكسته ايم(وضع مالي مون داغونه) 5. One thing we should do is... 6. Stop ۵-یه کاری که باید انجام بدهیم اینه که.... 7. gym membership ۶-متوقف کردن 8. That's a good idea. ۷–عضویت باشگاه 9. We could.... ۸-نظر (فکر)خوبیه. 10. instead of... ٩ – (بعنوان پیشنهاد)ما میتوانیم... 11. go out to eat ۱۰ –درعوض...به جای... 12. So much 13. I hadn't thought of that. ۱۱-بیرون رفتن و غذا خوردن 14. How about...? ۱۲-خیلی زیاد 15. how about spending less on movies? ۱۳ – به این فکر نکرده بودم. 16. Pretty boring ۱۴ -نظرت دررابطه با...چیه؟ 17. Movie ticket 18. I bet that would help a lot. ۱۵-نظرت دررابطه با کم خرج کردن در مورد 19. Finance فيلم ها چيه؟(كمتر يول فيلم بدهيم) 20. Look so good ۱۶ -نسبتا کسل کننده 21. so expensive ١٧ –بليط فيلم

> زیادی(شایانی) خواهد نمود. ۱۹ –وضعیت مالی، اوضاع مالی

۱۸ –من شرط میبندم این کار(امر) کمک بسیار

۲۰-خیلی خوب بنظر رسیدن ۲۱-خیلی گرانقیمت

لغات و اصطلاحات درس سيزدهم

CDI @ A Listen. What did Max and his friends do when they were kids? What was Zoe like as a child?



Zoe: What kind of childhood did you have, Max?

Max: I had a great childhood.

Zoe: What do you remember about it?

Max: Lots of things. For example, my parents had a karaoke machine. My friends and I would pretend we were on TV.

Zoe: How fun!

Max: What sort of things did you do as a kid?

Zoe: Oh, I was a tomboy! I used to play baseball.



- 1. Kid=child
- 2. What was he like?
- 3. as
- 4. as a child
- 5. What kind of?
- 6. Childhood
- 7. Have
- 8. I had a great childhood
- 9. What do you remember about it?
- 10. Lots of things
- 11. Karaoke
- 12. Pretend
- 13. I would pretend
- 14. How fun!
- 15. What sort of things?
- 16. What things did you do as a child?
- 17. Tomboy
- 18. I used to play baseball.
- 19. Karaoke machine

۱-بچه

۲-او چه جور آدمی بود؟

۳–بعنوان

۴-بعنوان کودک(بچه)

۵-چه جور.../چه نوعی از...؟

۶-دوران کودکی(بچگی)

۷-خوردن،داشتن

۸-دوران کودکی محشری داشتم(دوران بچگی

بسیار عالی داشتم)

۹ – درباره اش چه چیزی رابخاطر میاوری؟

۱۰ -خیلی چیزها

۱۱-سرگرمی چندرسانه ای که درژاپن اختراع

شده است.سیستم پایه از یک میکروفون،سیستم

شنیداری،منبع موسیقی و یک تلویزیون مداربسته

تشکیل شده است.

۱۲–تظاهر کردن،وانمود کردن

۱۳ – تظاهر میکردم،وانمود میکردم

۱۴ -چه باحال!!(چقدر باحال)

۱۵-چه جور چیزهایی؟

۱۶ - بعنوان یک بچه (کودک)،چه کارهایی انجام

میدادید؟

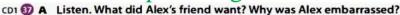
۱۷ – دختر پسروار (دخترانی که دوست دارند

فعالیت های پسرانه انجام بدهند.)

۱۸ –سابقا بیسبال بازی می کردم.

۱۹ –ماشین موسیقی

لغات و اصطلاحات درس چهاردهم





Alex: Something really embarrassing happened to me on Saturday. I was having dinner with a friend. at Lulu's.

Carrie: I know that place. My cousin said they had great food.



Alex: Yeah, they do. Anyway, I saw someone famous at the next table-Rihanna!

Carrie: No way! She's one of my favorite singers. She has a fantastic voice.



Alex: My friend wanted an autograph. So, I said I would ask her.

Carrie: And did you? Alex: Yes, but she told me she

wasn't Rihanna! Carrie: How embarrassing!

B PAIR WORK Practice the conversation. Then find the best places to add the sentences below to the conversation and practice it again.

1. I couldn't believe it.

3. It's that new place on First Avenue.

2. Did you talk to her? 4. But I bet she found it funny.

- 1. What did he want?
- 2. Why was Alex embarrassed?
- 3. some thing really embarrassing happened to me.
- 4. I was having dinner with...at....
- 5. I know that place
- 6. cousin
- 7. Say...said...said
- 8. he said to me....=he told me...
- 9. he said to me that they had great dinner.
- 10. Yeah, they do.
- 11. anyway...
- 12. I saw someone famous
- 13. At the next table
- 14. no way
- 15. She's one of my favorite singers

۱ -او چه چیزی می خواست؟

٢-چرا "آلكس" شرمسار و خجل شد؟(چرا آلكس

خحالت كشيد؟)

٣-يک چيز واقعا شرمسار کننده براي من اتفاق

۴-داشتم با....در....شام میخوردم.

۵-اونجا رو بلدم.

۶- یسرعمو یا دختر عمو ، پسردایی یا دختر دایی

، عمه زاده ، خاله زاده

٧-گفتن....گفت....گفته(سه شکل فعل)

٨-ىه من گفت...

۹ - به من گفت که شام توپی(عالی) خوردند.

۱۰ – آره همینجوره (شام تویی خوردند)

۱۱-بهرحال،بگذریم

16. She has a fantastic voice

۱۲ – یک شخصیت مشهور را دیدم.

17. want....wanted...wanted

18. autograph

19. so, I said I would ask her.

20. and did you?

21. Yeah, but she told me (that) she wasn't Rihanna.

22. how embarrassing!

23. I couldn't believe it.

24. It is that new place

on......Street/Avenue

25. did you talk to her?

26. I bet she found it funny.

۱۳ –سر میز بغلی(کناری)

۱۴ –امکان نداره،عمراً

۱۵ - اون یکی از خوانندگان محبوب منه.

۱۶ –او یک صدای عالی دارد.(او صدای فوق العاده

ای دارد)

۱۷-خواستن....خواست....خواسته

۱۸ -خط یا امضای شخص(علی الخصوص شخصیت

های مشهور)

۱۹ –لذا(بنابراین)،من هم گفتم که ازش

میخوام(درخواست میکنم)

۲۰-و تو هم انجام دادی؟(ازش خواستی؟)

۲۱-آره ولی به من گفت که "ریحانا" نیست.(ولی

به من گفت که ریحانا نیستم)

۲۲-وااای چه سوتی!!(چه ضایع بازاری!!!)

۲۳–نتونستم باورش کنم.(باورم نمیشد)

۲۴-همون مکان جدید در خیابان...می باشد.

۲۵-باهاش صحبت کردی؟

۲۶-شرط میبندم که این موضوع براش خنده

داربوده.

لغات و اصطلاحات درس یانزدهم

CD1 4 Listen. Who is Cameron Titus? What charity has he donated money to?

Aaron: I saw an interesting news story about a 10-yearold boy who wrote a children's book. His name is Cameron Titus and the book is called *Cameron's A-Z*.

Molly: Really?

Aaron: The towns near him had some bad storms. He wanted to help, so he donated all the money he made to the charity, Habitat for Humanity.

Molly: What a great kid.

Aaron: He's already started to write a second book, too. He's donating all that money as well—to a local hospital.



1. Who is Cameron Titus?

2. charity

3. denote

4. denote money to...

5. an interesting news

6. 10 year old boy

7. Children's book

8. A to Z or (A-Z)

9. Town

10. Bad storm

11. He wanted to help

12. So

13. All the money he made

14. Habitat

15. Humanity

16. What a great kid!

17. He's already started to write a

second book.

18. Too=as well

19. All that money

20. Local hospital

21. Habitat for Humanity

۱ – کامرون تیتوس کیست؟

Y–مؤسسه خیریه(نیکوکاری)

۳-اهدا کردن

۴–اهدا کردن یول به ...

۵-یک خبر جالب

۶_یک یسر ۱۰ ساله

۷–کتاب کودکان

٨-سير تا پياز، تمام جزييات، همه چي

۹_شهر ک،شهر

۱۰ –طوفان بدی

۱۱ او خواست که کمک کند...

۱۲-لذا، بنابراین

۱۳–تمام یولی که در آورد(بدست آورد)

۱۴ -محل سکونت

۱۵–بشریت، نوع بشر

١٤-چه پسر فوق العاده اي!

۱۷ ااخیراً هم شروع کرده به نوشتن کتاب

دوم.(دومین کتاب)

۱۸-همچنین

۱۹ – تمام این پول

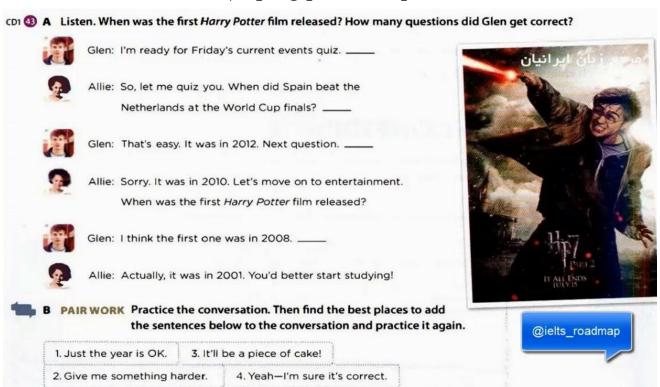
۲۰-بیمارستان محلی

۲۱-دراین درس نام مؤسسه خیریه است زیرا با

حروف بزرگ دروسط جمله آمده است لذا یک

اسم خاص می باشد.

لغات و اصطلاحات درس شانزدهم



- 1. When was it released?
- 2. Release
- 3. get correct
- 4. I'm ready for...
- 5. Current events
- 6. Quiz
- 7. So, let me quiz you.
- 8. beat

۱ - کی منتشر شد(یخش شد؟)

۲-منتشر کردن، پخش کردن، رهاکردن

۳–تاییدیه درست بودن دریافت کردن(که منظور

همان پاسخ صحیح دادن به چیزی می باشد.)

۴-برای....آماده ام

۵-رخدادهای کنونی(جاری)

9. Spain/Netherlands

۶-امتحان، آزمایش کردن، پرسش و پاسخ

10. World cup

11. Final

12. that's easy

13. It was in 2012.

14. Next question

15. let's move on to entertainment.

16. I think ...

17. Actually

18. Better

19. You had better... =You'd better ...

20. You'd better start studying!

21. just the year is OK.

22. It'll be a piece of cake.

23. give me something harder.

24. Yeah ... I'm sure it's correct.

۷–خب،اجازه بده ازت بپرسم(سؤال و جواب کنم)

۸-شکست دادن

٩ اسيانيا،هلند

۱۰ –جام جهانی

١١-ياياني،فينال

۱۲ –ساده است.

۱۳ –در سال ۲۰۱۲ بود.

۱۴ -سؤال بعدي

۱۵-(خب) بریم/بیردازیم به تفریح و سرگرمی.

۱۶ -فکرکنم..

۱۷ – حقیقت امر، واقعیتش

۱۸ – بهتر

۱۹ –شما بهتراست که...

۲۰-شما بهتراست که مطالعه کردن را آغاز

کنید(بهتره شروع کنی به درس خواندن)

۲۱ – فقط سالش درسته (اوکی)

۲۲-مثل آب خوردن ساده است.(معمولا کلمه موز

هم در این حالت بکار میرود و هردو به معنای

سادگی انجام کاراست.)

۲۳-یه چیز سخت تر به من بده

۲۴-آره...مطمئن هستم که درست است.

لغات و اصطلاحات درس هفدهم

CD2 (1) A Listen. Why does Kal call Winnie? Where did Winnie see Brad?

Kal: Hi, it's Kal. Do you have a minute? It's about my best friend Brad.

Winnie: Sure. Is everything OK?

Kal: Yeah. I just feel like we're acquaintances these days.

Winnie: You do? Why?

Kal: He doesn't really call or text me much anymore. His mind seems to be

somewhere else, too. The other day-

Winnie: Sorry, but can I interrupt for a second?

Kal: Of course.

Winnie: I think Brad got a part-time job.

Kal: He did?

Winnie: Yeah. I saw him at the coffee shop the other

day, but he was working there!

Kal: Oh, I should really be a better friend!



2. where did she see Brad?

3. hi, it's Mike./ hi this is Mike.

4. do you have a minute?

5. It's about my best friend "Brad."

6. sure

7. Is everything OK?

8. Feel like

9. Acquaintance

10. We are acquaintances these days.

11. You do?

12. call somebody

13. text somebody

14. anymore

15. seem

16. His mind

17. Somewhere else

18. the other day/the other night/the

other week

19. interrupt someone

١ -او چرا با "ويني" تماس گرفت؟

٢ - او "براد" را كجا ديد؟

۳–(پشت تلفن) سلام مایک هستم.

۴-یک دقیقه وقت دارید؟

۵–درباره بهترین دوستم "براد" است.

٤-حتما، قطعا

٧-آيا همه چيز اوکي هست؟(اوضاع رديفه؟)

۸-میل شدید داشتن، هوس چیزی کردن، دوست

داشتن انجام کاری

۹ – آشنا، کسی که ملاقات کرده اید ولی اورا خوب

نمی شناسید.

١٠ –اين روزها ما باهم آشناهستيم(سابقه آشنايي

داریم)

۱۱ – (زمانی که میخواهیم از صحت جمله شخصی

اطمینان حاصل کنیم) واقعا؟ جدی؟ آره؟

20. I think he got a part time job.

۱۲-به کسی زنگ زدن(تماس گرفتن)

21. he did?

۱۳ -به کسی پیامک زدن

22. I saw him at the coffee shop.

۱۴ – (در جملات منفی) دیگه، دیگر

23. He was working there.

۱۵-به نظر رسیدن

24. I should really be a better friend.

۱۶ –ذهنش، فکرش، خیالش

۱۷ - یه جای دیگه، جایی دیگر

۱۸-چند روز پیش، اخیراً

۱۹ - صحبت کسی را قطع کردن، وسط حرف کسی

پریدن

۲۰-فکرمیکنم یک کار یاره وقت پیدا کرده

۲۱ – (برای اطمینان حاصل کردن از صحت جمله

شخص گوینده) واقعا؟ جدی؟ آره؟

۲۲–من تو کافی شاپ دیدمش.

۲۳ اونجا داشت کار میکرد(مشغول کار بود).

۲۴-من واقعا باید دوست بهتری باشم(بشوم).

لغات و اصطلاحات درس هیجدهم

Jo: Have you made many friends since you moved here, Hugh? Hugh: I've actually made quite a few friends.

Jo: What sort of people do you like to be friends with? ____

Hugh: To me, it's important for a friend to be truthful. You know—
they don't say things behind your back and stuff. _____

Jo: Also, an important thing is that they're reliable. Good friends are always there when you need them, even if you don't see them often.



Hugh: I know what you mean.



B PAIR WORK Practice the conversation. Then find the best places to add the sentences below to the conversation and practice it again.

That's important to me. 3. Making new friends can be difficult.

 Use the second seco

1. what kind/type/sort of....?

۱ –چه نوعی از…؟

2. What kind of friends does he like?

3. What's important for him?

4. Make a friend

5. Make a friend with someone

6. to be friend with someone

7. I've made a lot of friends since I moved here.

8. Actually/infact

9. quite a few=quite a bit

10. to me=in my opinion

11. Stuff

12. behind your back

13. Don't talk behind his back.

14. They don't say anything behind your back and stuff.

15. an important thing is...

16. trustful

17. Trust someone

۲-او چه جور دوستانی را می پسندد؟(خوشش می

آید/دوست دارد)

۳–چه چیزی برای او اهمیت دارد؟

۴-دوست پیدا کردن

۵-با کسی دوست شدن

۶-با کسی دوست بودن

۷-دوستان زیادی پیداکرده ام از زمانی که به اینجا

نقل مكان كردم.

 Λ راستش، درواقع، درحقیقت Λ

۹_زیاد

۱۰ ااز نظر من، به نظر من، به عقیده من

۱۱-چیزها،کارها

۱۲ – پشت سر شما(پشت سرتون)

۱۳ - پشت سرش حرف نزن(غیبت نکن)

18. reliable

19. good friends are always there when

you need them.

20. even if

21. even if you don't see them often.

22. I know what you mean.

23. That's important to me.

24. Making friends can be difficult.

25. I joined a gym last month.

26. what's important to you?

۱۴-آنها هیچ چیزی پشت سرشما و کارهاتون

نمیگن(یعنی غیبت تو و کارهایت را نمیکنند)

۱۵-یه چیز مهم اینه که...

۱۶ –راستگو،صادق

۱۷ -به کسی اعتماد کردن

۱۸ –قابل اطمینان، موثق، قابل اتکا

۱۹ -دوستان خوب همیشه حضور دارند موقعی که

بهشون احتياج داريد.

۲۰-حتی اگر

۲۱-حتى اگر آنها را زياد نبيني.

۲۲-میدونم منظورت چیه.

۲۳–آن برای من مهم است.

۲۴-دوست پیدا کردن میتونه سخت باشه.

۲۵-من ماه گذشته به یک باشگاه ملحق

شدم(پیوستم.)

۲۶ از نظر شما چه چیزی مهم است؟

لغات و اصطلاحات درس نوزدهم



- 1. How are things going?
- 2. I need.../I need to.....
- 3. I need to make a few friends.
- 4. You should join an online group.
- 5. That doesn't appeal to me.
- 6. I prefer to meet people face to face.
- 7. You could introduce yourself.
- 8. Could
- 9. You could join a group and make some friends.
- 10. to do that
- 11. Why not..../why don't you..../ you could..../let's....
- 12. Maybe=Perhaps
- 13. I know
- 14. I could....
- 15. Right now

۱ -اوضاع چطوره(چطور پیش میره؟)

۲–نیاز دارم.../نیاز دارم که...

۳-نیاز دارم چندتایی(تعداد کمی) دوست پیدا کنم.

۴-شما باید به یک گروه آنلاین ملحق

شوید(بپیوندید)

۵-برایم جذابیتی ندارد.

۶–ترجیح میدهم آدم ها را چهره به چهره ملاقات

کنم.

۷-شما میتونی خودت رو معرفی کنی(پیشنهاد)

۸-گذشته فعل کمکی can دریک حالت و کاربرد

دیگراینکه برای پیشنهاد دادن بکار می رود.

۹-شما میتونید به یک گروه ملحق شده و تعدادی

دوست پیدا کنید.

- 16. Tango
- 17. I do that all the time.
- 18. I'm kind of shy.
- 19. You never know who you're talking to online.

- ۱۰ -برای انجام دادن آن
- ۱۱-چرانه..../برای چی نه..../میتونید.../بیا تا
- باهم....(تمامی این عبارت برای پیشنهاد دادن

انجام کاری بکار میروند.)

- ۱۲-شاید
- ۱۳ –میدونم....بلدم....میشناسم
- ۱۴ -من میتونم...من احتمالا بتوانم...
 - ۱۵-در حال حاضر،اکنون
 - ۱۶ –رقص تانگو
- ۱۷ –من همیشه این کار را انجام میدهم.
 - ۱۸ -من په جورایی خجالتی ام.
- ۱۹ -شما هرگز نمی فهمید که آنلاین درحال

صحبت کردن باچه کسی هستید.

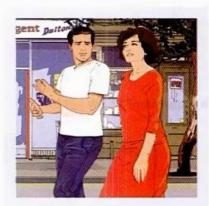


لغات و اصطلاحات درس بیستم

2 Conversation

CD2 1 A Listen. Why did Brett forget the party? What does Dana suggest?





Brett: You'll never guess what happened. My friend John invited me to a party at his house last night, and I totally forgot about it.

Dana: Oh, no. How come?



Brett: I was so busy all week that it completely slipped my mind. I wish I'd remembered because it was his birthday.

Dana: Have you talked to him?



Brett: Not yet. I don't know what to do.

Dana: What you could do is call John now and apologize. I always say honesty is the best policy.

Brett: That's a good idea.

- 1. Why did he forget the party?
- 2. What does she suggest?
- 3. You'll never guess what happened.
- 4. Invite
- 5. at his house
- 6. Totally
- 7. I totally forgot it.
- 8. How come? =why?
- 9. I was so busy all week that...
- 10. So +adjective.....that....
- 11. It compeletly slipped my mind.
- 12. I wish I'd remembered.
- 13. It was his birthday.
- 14. Have you talked to him?
- 15. Not yet
- 16. I don't know what to do.

۱ -او چرا مهمانی را فراموش کرد؟

۲ او چه چیزی پیشنهاد می کند؟

۳–هر گز حدس نخواهی زد چه اتفاقی افتاد(عمراً

حدس بزنی چی شد؟)

۴-دعوت کر دن

۵–در منزلش

۶-کاملا،بکلی

٧-كاملا(بكلي) فراموشش كردم.

۸-چرا؟

٩-تمام هفته آنقدر سرم شلوغ بود كه...

۰ ۱ – آنقدر ...(صفت)...که...

۱۱-کاملا از ذهنم(خاطرم) رفت.(فراموش شد)

۱۲ الیکاش یادم بود/ بخاطر آورده بودم.

۱۳ –روز تولدش بود.

17. What you could do is call John now and apologize.

۱۴ – آیا با او صحبت کرده ای؟

18. I always say honesty is the best policy.

۱۵–نه هنوز

19. That's a good idea.

۱۶–نمیدونم چیکار کنم؟

۱۷ – کاری که میتونی انجام بدی اینه که به "جان"

زنگ بزنی و عذرخواهی کنی.

۱۸ –من همیشه میگم که صداقت بهترین

سیاست(خط مشی) است.

١٩-فكر خوبيه.

لغات و اصطلاحات درس بیست و یکم



1. apply for something

۱ –تقاضای چیزی دادن،درخواست چیزی دادن

2. Marketing position

۲-جایگاه شغلی بازاریابی

3. suitable

4. I took two courses in marketing at college and I really enjoyed them

۳_مناسب

5. I see

6. What skills do you have?

7. That would be useful.

8. that

9. Develope

10. Communication and leadership

11. While working at ...

12. I see that here.

13. Why only three months?

14. I'd rather not say.

15. I'll just say it wasn't the right company for me.

16. How are your computer skills?

17. Excellent

18. I can use all the main programs

19. I taught myself web design.

20. Was there a problem?

21. It was a positive experience

22. After that, I wanted to pursue a job in marketing.

23. I'm a fast learner

۴-دو تا دوره در دانشگاه در زمینه بازاریابی

برداشتم و واقعاً لذت بردم.

۵-متوجه ام،میفهمم

۶-چه مهارتهایی دارید؟

٧-مفيد خواهد بود،(كه) مفيد باشه

۸-(دراینجا) که

۹ – توسعه دادن،بسط دادن

۱۰ ارتباط و رهبری

۱۱-هنگام کارکردن در....

۱۲ -اینجا میبینمش

١٣ -چرا فقط سه ماه؟

۱۴-ترجیح میدهم که نگویم.

۱۵ - فقط میتوانم بگویم که شرکت مناسبی برایم

نبود.(شرکت خوبی برایم نبود.)

۱۶ –مهارتهای رایانه ای شما چطور است؟

١٧ –عالي،فوق العاده

۱۸-تمام برنامه های اصلی را میتوانم استفاده کنم.

۱۹ –طراحی وب را خود آموز کار کردم.

۲۰ – آیا مشکلی وجود داشت؟

۲۱-یک تجربه مثبتی بود(تجربه خوبی بود)

۲۲-بعدش،میخواستم که یک شغل در زمینه

بازاریابی را دنبال کنم(پیگیری کنم.)

۲۳-من زود یاد میگیرم.

لغات و اصطلاحات درس بیست و دوم

2 | Conversation

(I) A Listen. What does John think the ad is for? What does Amanda say makes an effective ad?





John: What do you think this ad could be for?



Amanda: I'm not sure. It looks like it could be for shampoo.



John: Shampoo? Maybe. I think it's probably for hair coloring.



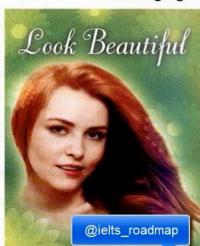
Amanda: That's possible. Or I wonder if it's advertising cosmetics.



John: Whatever it is, I don't think it's very effective. It needs to be more clear. What do you think makes a good advertisement?



Amanda: Ads don't need to say much to be effective. They need to be simple and direct.



- 1. What.....for?
- 2. What is the ad for?
- 3. make something effective
- 4. What do you think this ad could be for?
- 5. I'm not sure
- 6. It looks like...
- 7. It could be for shampoo.
- 8. Maybe=perhaps
- 9. I think it is probably for hair coloring.
- 10. That's possible.
- 11. I wonder if...
- 12. Advertise
- 13. Advertisement=ad
- 14. It is advertising cosmetics.

۱ – برای چه چیزی /کاری....هست؟

۲-تىلىغات ىراي چىست؟

۳-چیزی را مؤثر و تاثیر گزار نمودن

۴-شما فکر میکنید تبلیغات میتواند برای چه

چیزی یا چه کاری باشد؟

۵–مطمئن نیستم./نمیدونم

8-آن بنظر مي رسد كه...

۷–میتواند برای شامیو باشد.

۸-شاید

٩-من فكر ميكنم احتمالا براي رنگ مو باشد.

۱۰ احتمال داره/ممکن است.

۱۱ – متحیرم که آیا.../درشگفت ام که آیا...

15. Whatever it is, I don't think it's very effective.

۱۲-تبلیغ کردن

۱۳-آگهی

16. It needs to be more clear.

۱۴-داره لوازم آرایشی تبلیع میکنه.

- 17. What do you think makes a good advertisement?
- 18. Ads don't need to say much to be effective.
- 19. They need to be simple and direct.
- ۱۵-هرچیزی که هست،فکر نکنم خیلی اثر گزار و مؤثر باشد.
 - ۱۶ لازم است که شفاف تر (واضح تر) باشد.
- ۱۷ فکر میکنید چه چیزی یک آگهی را خوب می کند؟
- ۱۸-آگهی ها لازم نیست برای تاثیر گزاری خیلی حرف بزنند.

۱۹ – لازمه که ساده و رک باشند.

لغات و اصطلاحات درس بیست و سوم

2 Conversation

@ielts_roadmap

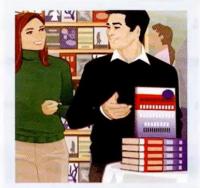
A Listen. Why are fewer people buying books at Phil's bookstore? What changes has he made?



Jan: How's the store doing, Phil?

Phil: Well, I've made some changes. People are buying fewer and fewer books from bookstores these days.

Jan: But why is that?



Phil: The main reason is that it's so easy to shop online and buy e-books.

Jan: So, what changes have you made?

Phil: We are bringing in authors for book signings.



Jan: That's a great idea!

Phil: People like to meet authors and hear them read.

Jan: That's true. People can't do that online.

Phil: Yes. And we've just opened this coffee shop.

- 1. Fewer people
- 2. Bookstore
- 3. What changes has he made?

۱ -افراد کمتری

۲-کتابفروشی

جهت دانلود فایل های ویدیویی دروس به کانال تلگرام نقشه راه آیلتس مراجعه فرمایید.

4. How is the store doing, Phil?

5. I've made changes.

6. These days

7. But why is that?

8. The main reason is that...

٣-چه تغييراتي او اعمال كرده است؟

۴-"فیل"،اوضاع کتابفروشی چطوره؟

۵-تغییراتی اعمال کرده ام.

۶ این روزها

9. It's easy to shop online and buy e-books.

10. So

11. So, what changes have you made?

12. Bring in...

13. Author

14. Book signing

15. That's a great idea.

16. People like to meet authors and hear them read.

17. That's true.

18. People can't do that online.

19. And we've just opened this coffee shop.

٧-اما چرا؟(چرا اینجوریه؟)

۸-دلیل اصلی اینه که...

۹-خرید آنلاین و خریدن کتابهای الکترونیکی

ساده است.

• ١ -لذا، بنابراين، با اين تفاصيل، خب

۱۱-اینطور که میفرمایید،چه تغییراتی اعمال کرده

اید؟

۱۲–دعوت به همکاری کردن

۱۳ –نویسنده

۱۴ -امضاء کردن کتاب

۱۵ –ایده ی بسیار عالی است.

۱۶ -مردم دوست دارند که نویسندگان را ملاقات

کنند و خواندن ایشان را بشنوند.

۱۷ –درست است،واقعیت داره

۱۸ –مردم نمی توانند این کار را آنلاین انجام

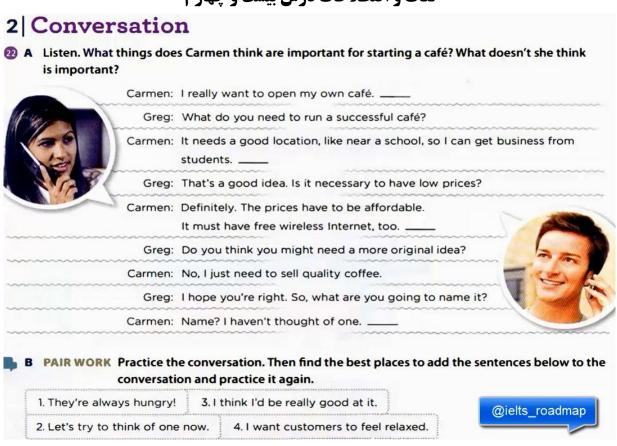
دهند.

١٩ - و ما اين كافي شاپ را اخيراً (به تازگي) افتتاح

كرده ايم.



لغات و اصطلاحات درس بیست و چهارم



- 1. What things are important?
- 2. for starting a cafe
- 3. What does she think is important?

۱ –چه چیزهایی مهم هستند؟

۲-برای راه اندازی یک کافه/قهوه خانه

- 4. I really want to open my own cafe.
- 5. What do you need to run a successful café?
- 6. It needs a good location.
- 7. Like near school.
- 8. To get business.
- 9. Is it necessary to have low prices?
- 10. definitely
- 11. The prices have to be affordable.
- 12. It must have free wireless internet, too.
- 13. You might need...
- 14. More original idea
- 15. No, I just need to sell quality coffee.
- 16. I hope your right.
- 17. What are you going to name it?
- 18. I haven't thought of one.
- 19. They're always hungry.
- 20. Let's try to think of one now.
- 21. I think I'd be really good at it.
- 22. I want customers to feel relaxed.

۳-او فکر میکند چه چیزی مهم است؟

۴-من واقعاً میخواهم که کافه ی خودم را

باز كنم (افتتاح كنم).

دارید؟

۵–برای مدیریت یک کافه موفق به چه چیزی نیاز

۶-یک مکان خوب نیاز داره(میخواهد).

۷-مثل(عین،شبیه) نزدیک مدرسه

 Λ -برای جذب مشتری(مشتری پیدا کردن)

٩ – آیا داشتن قیمت های پایین لازم است؟

١ -قطعا،يقينا

۱۱ -قیمت ها باید در حدتوان و استطاعت پر داخت باشند.

۱۲–باید اینترنت بیسیم رایگان هم داشته

باشد.(باید اینترنت وای فای رایگان هم داشته

باشد)

١٣ -شما ممكنه نياز داشته باشي...

۱۴ - فکر تازه تر،ایده ای نوین و جذاب تر

١٥-نه من فقط بايد قهوه باكيفيت بالا بفروشم.

۱۶ –امیدوارم که حق باشما باشد،امیدوارم که

فرمایش تون درست باشد.

۱۷-خیال داری اسم شو چی بگذاری؟

۱۸ - به اسمش فکر نکرده ام.

۱۹-آنها همیشه گرسنه هستند.

۲۰-بیا تا باهم سعی کنیم یک اسم الان پیدا

کنیم(فکرکنیم،در ذهن بیاوریم)

۲۱-من فکر میکنم در این کار خیلی خوب بشوم.

۲۲-میخواهم که مشتریان احساس آرامش

ىنمايند.

لغات و اصطلاحات درس بیست و پنجم

2 Conversation

A Listen. Dan is going to China for the first time. What customs does Sarah tell him about?

Dan: So, what are some of the things I need to know when I'm in China?

Sarah: OK. Well, you're supposed to take off your shoes before you enter someone's home.

Dan: OK. That's the same in Japan and Korea.

Sarah: That's right. And when you visit someone's home, it's the custom to bring a small gift.

Dan: OK.

Sarah: But in China, if someone gives you a gift, you're not supposed to open it right away.

Dan: Got it! Thanks for the tips!



- 2. What customs does Sarah tell him about?
- 3. So, what are some things I need to know when I'm in China?
- 4. You are supposed to take off your shoes before you enter someone's home.
- 5. OK, that's the same in Japan and Korea.
- 6. That's right.
- 7. When you visit someone's home, it's the custom to bring a small gift.
- 8. If someone gives you a gift, you're not supposed to open it right away.
- 9. Got it!
- 10. Thanks for the tips!
- 11. Tip = advice



۱ –برای اولین بار

۲– سارا در رابطه با چه رسم و رسوماتی به او می

گوید؟

۳-خب،چیزهایی که لازمه بدونم موقعی که در

چین هستم چیه؟

۴-شما باید کفش هایت را قبل از وارد شدن به

منزل کسی در بیاورید.

۵-بسیار خوب، اینکه مثل ژاین و کره است.

ع-درست است.

۷–هنگامیکه به بازدید منزل کسی می روید رسم

است که یک هدیه کوچک بیاورید.

۸-اگر کسی به شما هدیه ای بدهد شما نباید

بلافاصله آن را باز کنید.

٩ - فهمىدى؟ /افتاد؟

١٠ –ممنون بابت نصيحت ها(توصيه ها)

htti	25.//	tele	gram	me/ie	elts	road	man
1111	JO.//	WIC	gram	.1110/10	-110	_roau	map

۱۱-پند و نصیحت

لغات و اصطلاحات درس بیست و ششم

2 Conversation

A Listen. What is Emma's favorite proverb? What does it mean?

Tomas: Do you have any favorite proverbs, Emma?

Emma: I really like "Laughter is the best medicine." _____

Tomas: What does it mean to you?

Emma: It reminds me to find humor during difficult times. ____

Tomas: What about "Charity begins at home." What do

you think it means?

Emma: I think it means that the most important thing is to care for your own family.

Tomas: I'm trying to learn lots of proverbs, but it's taking me a long time. ____

Emma: Don't worry. "Rome wasn't built in a day."

B PAIR WORK Practice the conversation. Then find the best places to add the sentences below to the conversation and practice it again.

1. In other words, put family first.	3. I try to live by those words.
2. It's hard to remember them all.	4. People say laughing heals.

- 1. Favorite proverb
- 2. What does it mean?
- 3. Do you have any favorite proverbs?
- 4. I really like...
- 5. Laughter is the best medicine.
- 6. What does it mean to you?
- 7. It reminds me to find humor during difficult times.
- 8. Remind someone to do something
- 9. Remind someone of/about something
- 10. Charity begins at home
- 11. What about this proverb?
- 12. What do you think it means?
- 13. The most important thing is to care for your own family.
- 14. I'm trying to learn lots of proverbs.

١ –ضرب المثل مورد علاقه

۲-چه معنایی میده؟

@ielts_roadmap

٣-آيا ضرب المثل محبوب و مورد علاقه اي

دارید؟

۴-من واقعاً.....را دوست دارم/ مي يسندم.

۵-خنده بهترین دارو است(خنده بر هر درد بی

درمان دواست)

۶-برای شما / از نظر شما چه معنایی می دهد؟

۷-به من یاد آوری می کند که در خلال زمان های

سخت یک مزاح/لطیفه/خوشمزگی پیدا کنم.

۸-یاد آوری به کسی اینکه کاری انجام دهد.

۹-چیزی را به یاد کسی آوردن

- 15. It's taking me a long time.
- 16. Don't worry.
- 17. Rome wasn't built in a day.
- 18. In other words
- 19. Put family first.
- 20. It's hard to remember them all.
- 21. I try to live by those words.
- 22. Laughing
- 23. Heal

- ۱۰ -احسان و نیکوکاری از منزل آغاز می
- شود/چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام
 - است/اول خویش سپس درویش
 - ١١ ا اين ضرب المثل چي؟/اين ضرب المثل
 - چطور؟
 - ۱۲ –فکر میکنی چه معنایی می دهد؟
- ۱۳ –مهمترین چیز این است که از خانواده خودت
 - مراقبت كني.
- ۱۴ دارم تلاش میکنم که ضرب المثل های زیادی
 - یاد بگیرم.
 - ۱۵ –زمان زیادی از من میگیره/خیلی وقت منو
 - میگیره.
 - ۱۶ –نگران نباش.
- ۱۷ -رم یک روزه ساخته نشد/گر صبر کنی ز غوره
 - حلوا سازی.
 - ۱۸ –به معنای دیگر
- ۱۹ –خانواده را اول قرار بده/ اول به خانواده برس.
 - ۲۰-بخاطر آوردن همه آنها کار بسیار سختی
 - است.
- ۲۱-من سعی میکنم که با این کلمات زندگی کنم.
 - ۲۲-خنده آور/خنده دار
 - ۲۳–التيام،شفا،درمان

لغات و اصطلاحات درس پیست و هفتم

2 Conversation

A Listen. Which picture is about the weather? Which picture is about good luck?





Ann: Look at that cat. You know what that means?

Sam: No. what?

Ann: If a cat washes behind its ears, it will rain soon. .

Sam: Do you believe that?

Ann: Of course not.



Sam: I know another one about cats. What will happen if you see a white cat at night? __

Ann: I have no idea. Sam: You'll have bad luck.

Ann: I wonder why. ___



Sam: But if you want to avoid the bad luck, you must turn and walk away.

Ann: Here's one. If a cat sneezes three times, you'll have good luck. _ Sam: Hey, is it raining?

B PAIR WORK Practice the conversation. Then find the best places to add the sentences below to the conversation and practice it again.

1. Can you guess?

3. I thought black cats were bad luck.

2. It has to be exactly three times. 4. My grandmother always said that.

- 1. Which picture is about the weather?
- 2. Which picture is about good luck?
- 3. Look at that cat.
- 4. You know what that means?
- 5. No, what?
- 6. If a cat washes behind its ears, it will rain soon.
- 7. Do you believe that?
- 8. Of course not.
- 9. I know another one about cats.
- 10. What will happen if you see a white cat at night?
- 11. I have no idea.

۱-کدام تصویر در رابطه با هوا است؟

۲-کدام تصویر در باره خوش شانسی(خوش

اقبالی) است؟

٣-به آن(این) گربه نگاه کن.

۴-میدونی چه معنایی میدهد؟

۵- نه،چې؟/(نه چه معنايي؟)

۶-اگر گربه ای پشت گوشهایش را بشوید زود

باران می بارد.

٧-آيا باورش ميكني؟

۸ الىتە كە نە

12. You'll have bad luck.

۹ – یک چیز دیگر هم درباره گربه ها

ميدونم/بلدم.

13. I wonder why...

14. If you want to avoid bad luck, you must turn and walk away.

15. Here's one.

16. To sneeze

17. Three times

18. You'll have good luck.

19. Is it raining?

20. Can you guess?

21. It has to be exactly three times.

22. My grandmother always said that.

۱۰ چه اتفاقی میفته اگر یک گربه سفید را درشب

ببینی؟

۱۱ –نظری ندارم/نمیدونم.

۱۲ –اقبال بدی خواهی داشت.

۱۳ -متحیرم که چرا.../در شگفتم که چرا...

۱۴ - اگر میخواهی که از اقبال بد دوری /اجتناب

کنی باید روتو بر گردونی و قدم زنان دور بشی.

۱۵-این هم یکیش.

۱۶-عطسه کردن

۱۷ –سه مرتبه/سه دفعه

۱۸ -اقبال خوبی خواهی داشت/خوش اقبال خواهی

بود.

۱۹ – داره بارون میاد؟

۲۰ میتونی حدس بزنی؟

٢١-دقيقاً بايد سه مرتبه باشه.

۲۲–مادر بزرگم همیشه اینو میگفت.

لغات و اصطلاحات درس بیست و هشتم

2 Conversation CD2 3 A Listen. Does Nina think the lights were from a UFO? Why not? Adam: Did you hear about those strange lights over the city on Sunday night? Nina: No, I didn't. Adam: Apparently, a lot of people saw bright lights moving across the sky. They thought the lights were from a UFO. Nina: I doubt it. It must have been a plane. Adam: Maybe, but there were lots of them, and they were moving around in circles. Nina: It could have been a flock of birds. Birds move around in circles sometimes. Adam: It couldn't have been birds. Birds don't have lights attached to them! Nina: Whatever it was, it couldn't have been a UFO. Adam: Why not? Nina: Because there is no such thing!

- 1. Does he think...?
- 2. light
- 3. UFO
- 4. Did you hear about...?
- 5. strange lights
- 6. over the city
- 7. On Sunday night
- 8. Apparently
- 9. a lot of people
- 10. Persons = people
- 11. see...saw...seen
- 12. moving across the sky
- 13. They thought....
- 14. think...thought...thought
- 15. I doubt it.
- 16. It must have been a plane.

۱-آیا او فکر می کند که؟

۲-نور /روشنایی/چراغ

۳–جسم ناشناس پرنده (بشقاب پرنده)

۴–آیا درباره....شنیدی؟

۵–نورهای عجیب و غریب

۶–بر فراز شهر

۷–یکشنبه شب

٨–ظاهراً

۹-خیلی از مردم

۱۰ افراد/اشخاص/مردم

۱۱-دیدن...دید...دیده

جهت دانلود فایل های ویدیویی دروس به کانال تلگرام نقشه راه آیلتس مراجعه فرمایید.

17. Maybe

۱۲ – حرکت کردن در سرتا سر آسمان/حرکت کردن

18. there were lots of them

از این سو به آن سو در آسمان

19. They were moving around in circles.

١٣- آنها فكر كردند كه...

20. It could have been a flock of birds.

۱۴ –فکر کردن...فکر کرد...فکر کرده

21. move

22. sometimes

23. Birds don't have lights attached to

them!

24. whatever

25. Whatever it was, it couldn't have

been a UFO.

26. Why?

27. Why not?

28. Because there is no such thing!

29. flock

۱۵ –شک دارم

۱۶ –باید یک هواییما بوده باشد.

۱۷–شاید

۱۸ -خیلی از آنها وجود داشت.

۱۹ –بصورت دایره وار حرکت می کردند.

۲۰-احتمالاً دسته ای / گروهی از پرندگان بودند.

۲۱-حرکت کردن،جابجا شدن،تکان خوردن

۲۲–بعضی اوقات

۲۳-پرندگان که نور ندارند بهشون چسبیده باشه.

۲۴–هرچی،هر چیزی

۲۵-هرچی بود نمی تونست بشقاب پرنده باشه.

۲۶-چرا؟

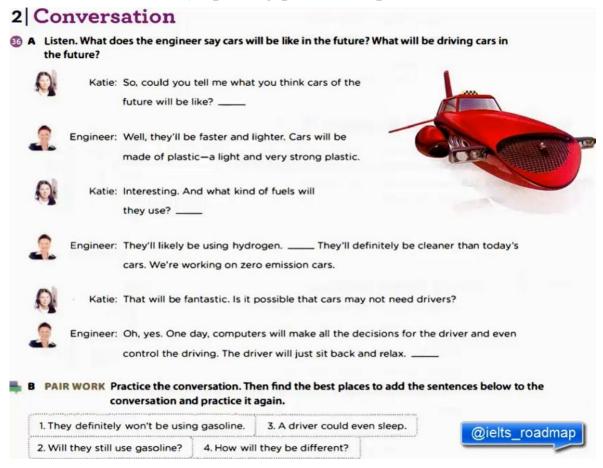
۲۷-چرا نه؟

۲۸-چونکه په همچين چيزې وجود نداره/ زيرا چنين

چیزی وجود ندارد.

۲۹ – رمه، گله، گروه، دسته پرندگان

لغات و اصطلاحات درس بیست و نهم



1. engineer مهندس

2. will be

۲–خواهد بود

3. like

future?

۳–مثل،مانند،عین،شبیه

4. in the future5. What will be driving the cars in the

۴_در آینده

6. So, could you tell me what you think?

۵-در آینده چه چیزی خودروها را رانندگی خواهد

7. Cars of the future will be like...

نمود(هدایت می کند)؟

8. Well, they will be faster and lighter.

جهت دانلود فایل های ویدیویی دروس به کانال تلگرام نقشه راه آیلتس مراجعه فرمایید.

9. Cars will be made of plastic. ۶-خب(یس)، میشه به من بگی چی فکر میکنی؟ 10. strong ٧-خودروهای آینده شبیه....خواهند بود. 11. interesting ۸-خب، آنها سریع تر و سبک تر خواهند بود. 12. What kind of fuels will they use? ۹-خودروها از پلاستیک ساخته خواهند شد. 13. likely 14. They will be using.... ۱۰ حوی 15. definitely ۱۱ –حذاب 16. They'll be definitely be cleaner than today's cars. ۱۲–چه نوعی از سوخت ها را مصرف خواهند 17. We are working on zero emission نمود؟ cars. ١٣ -احتمالاً،محتمل 18. That will be fantastic. ۱۴ -در حال استفاده ازخواهند بود. 19. It is possible that... ١٥ –قطعاً، بقيناً 20. They may not need drivers. 21. one day= some day ۱۶ - آنها بطور حتم (یقیناً) تمیز تر (یاکیزه تر) از 22. They will make all the decisions for خودروهای امروزی خواهند بود. the driver and even control and driving. ۱۷ –ما را داریم بر روی خودروهایی کار میکنیم که کمترین نشر را به محیط داشته باشند.(منظور دادن گرما یا گاز و غیره به هوا یا محیط اطراف می باشد.) ۱۸ –عالی میشود. 23. the driver ۱۹ -ممكن است كه... 24. just 25. sit back ۲۰-آنها ممکنه که به راننده نیاز نداشته باشند. 26. relax ۲۱-یک روزی،روزی 27. they will not use...= they won't ۲۲-آنها تمام تصمیمات حتی کنترل و راندن را use... 28. They definitely won't use gasoline. ىراى راننده خواهند گرفت. 29. still ۲۳-راننده 30. could ۲۴_فقط 31. even 32. sleep ۲۵–عقب بنشیند/تکیه دهد 33. how will they be different?

۲۶-با فکر راحت استراحت کردن

٢٧-آنها استفاده نخواهند كرد..../آنها....استفاده

نخواهند کرد.

۲۸–آنها بطور حتم بنزین یا گازوئیل استفاده

نخواهند کرد.

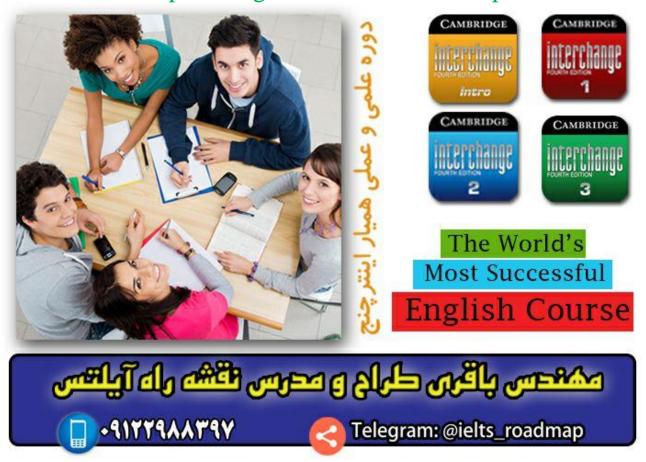
۲۹–هنوز

۳۰-شاید،احتمالاً،ممکنه(یکی از کاربردهای این کلمه برای بیان احتمال ضعیف و دیگر کاربرد آن برای پیشنهاد دادن می باشد.البته بجز این دومورد می تواند در معنای گذشته فعل کمکی can در معنای توانستن نیز بکار رود.)

۳۱–حتی

۳۲–خواییدن

٣٣-چگونه آنها متفاوت خواهند بود؟



لغات و اصطلاحات درس سي ام

2 Conversation

3 A Listen. Why does Nicki think glass is better than plastic? What does Wes say about glass?



Wes: I read that they've banned plastic bottles in some European towns.

Nicki: That's a good idea.

Wes: Why do you say that?

Nicki: Well, if they ban plastic bottles, companies will have to make glass bottles.



Wes: Are you saying glass is better than plastic?

Nicki: Yes! Glass is much better than plastic.

Wes: But why?

Nicki: Because plastic breaks down so slowly. It stays on our planet for a long time.



Wes: But using more glass will also affect the environment. Making glass uses a lot of energy.

Nicki: I hadn't thought of that.

To be honest, I don't know what the best solution is.

@ielts_roadmap

1. why does he think....?

2. glass is better than plastic.

3. what does he say about glass?

4. I read that...

5. They've banned...

6. plastic bottles

7. in some European towns

8. that's a good idea

9. why do you say that?

10. well, if they ban plastic bottles....

11. companies will have to make glass bottles.

12. Are you saying.....?

13. glass is much better than plastic.

14. but why?

15. break

16. break down

١-چرا او فكر مى كند كه....؟

۲-شیشه بهتر از پلاستیک است.

۳-او درباره شیشه چه چیزی می گوید؟

۴-من خوندم که....

۵-آنهارا ممنوع کرده اند.

۶-بطری های پلاستیکی

۷-در برخی از شهرهای اروپایی

۸-نظر(ایده) خوبیه.

٩-چرا اینو می فرمایید؟

۱۰ - خب اگر آنها بطری های پلاستیکی را ممنوع

کنند....(شرطی نوع اول)

۱۱ –شرکت ها مجبور خواهند شد که بطری های

پلاستیکی درست کنند(بسازند).

17. so slowly ۱۲–آیا شما می فرمایید(می گویید) که.....؟

18. it stays on our planet for a long ۱۳ - شیشه خیلی بهتر از پلاستیک است. time.

۱۴ -اما جرا؟ 19. planet

۱۵-شکستن 20. but using....

۱۶ – خراب شدن،از بین رفتن،محو کردن یا محو 21. more glass

22. also شدن

23. will affect... ۱۷ -خیلی به کندی 24. the environment

۱۸ -برای مدت زمان طولانی بر روی سیاره ما باقی

می ماند.

• ٢ – اما يكارير دن..../اما استعمال...../اما استفاده

25. surrounding

26. making glass uses a lot energy. ۲۱–شیشه بیشتری 27. I hadn't thought of that.

۲۲-همچنین 28. that

29. to be honest ٢٣-تحت تاثير قرار خواهد داد.... 30. I don't know what the best solution

۲۴ محیط زیست is. ۲۵-محیط اطراف/محاور

31. Do you know what is the best solution? (Spoken English) ۲۶–درست کردن شیشه انرژی زیادی می

32. Do you know what the best solution ىرە(استفادە مىكنە) is? (Written English)

۲۷-به این فکر نکرده بودم.

۲۸ – آن،این (در خیلی از جملات و اصطلاحات به

معنای این ترجمه می شود.)

۲۹ – راستشو بخوای، راست حسینی، حقیقت امر این

که،از شما چه پنهون

۱۹ –ساره

کر دن از

۳۰-من نميدونم بهترين راه حل چيه.

۳۱-آیا میدونی بهترین راه حل چیه؟(در انگلیسی

گفتاری و مکالمه می توانیم دو پرسش را پشت

سرهم بیاوریم و اشکالی ندارد ولی در انگلیسی نوشتاری اجازه این کار را نداریم.)

۳۲-آیا میدونی بهترین راه حل چیه؟(در انگلیسی نوشتاری و گرامری نمیتوان دو پرسش را پشت سرهم آورد درنتیجه حتماً باید پرسش دوم را از شکل سؤالی خارج کنیم.این نکته را در قسمت نوشتاری آیلتس و دیگر امتحانات بین المللی نیز باید لحاظ بفرمایید.)



لغات و اصطلاحات درس سی و یکم

2 Conversation

1. to have a party

2. to give a party

3. to attend a party

@ielts_roadmap

A Listen. Why are Dan and Mike having a party? How are Doug and Carlos going to get there?

Carlos: Um, I guess. I plan to clean my room later. Why do you ask?

Doug: Hey, Carlos. It's Doug. Do you have any plans later?

Doug: Dan and Mike are having a party tonight. Mike's leaving for the summer so

it's kind of a goodbye party. Lots of our friends will be there.

Carlos: It sounds fun...

Doug: Yeah. So, can you make it?

Carlos: Sure. I'll hurry and get all this stuff done.

Doug: Great. I'll pick you up. My sister is going to lend me her car.

Carlos: Really?

Doug: Yeah. I'll be going right by your dorm.

What time is good?

Carlos: Anytime.

Doug: OK. I'll come around 7 p.m.

۱ –مهمانی داشتن

۲–مهمانی دادن

5. to celebrate

ع-به مهمانی نرسیدن/مهمانی را از دست دادن 6. how are they going to get there?

7. It's Mike. (On the phone) – مشن گرفتن – ۵

8. Do you have any plans later? هــآنها چگونه خيال دارند که به آنجا

9. I guess 10. I plan to clean my room later. (برسند)

۷–مایک هستم.(پشت تلفن و یا آیفون) ۷

۸-برای بعداً آیا هیچ برنامه ای دارید؟ ۸

13. why do you ask?
14. leave for

۰۱ -برنامه دارم که اتاقم را بعداً تمیز کنم. 15. goodbye party

16. it's kind of goodbye party.

جهت دانلود فایل های ویدیویی دروس به کانال تلگرام نقشه راه آیلتس مراجعه فرمایید.

17. lots of our friends will be there.

۱۲ –در ادامه

18. it sounds fun.

۱۳ -برای چی/چرا می پرسید؟

19. So, can you make it?

۱۴ –عازم جایی بودن،عزیمت کردن

20. sure, I'll hurry and get all this stuff done.

۱۵ –مهمانی خداحافظی

21. great, I'll pick you up.

۱۶-یه جورایی مهمانی خداحافظی است. ۱۷-خیلی از دوستانم آنجا خواهند بود.

22. my sister is going to lend me her car.

۱۸ -جالب به نظر میرسه/با حال به نظر میرسه.

23. by your dorm

۱۹ –خب،میتونی بیایی؟(میتونی راست و ریس کنی

24. what time is good?

بیایی؟)

25. anytime 26. OK, I'll come around 7 p.m

۲۰-عجله میکنم و تمام کارها رو تموم میکنم.

27. I'll be going right by your dorm.

۲۱–عاليه،با ماشين ميام دنبالت.

28. for

۲۲-خواهرم قراره که ماشین شو به من قرض بده.

۲۳–نزدیک خوابگاه تون

۲۴-چه ساعتی خوب؟

۲۵–هرموقع(شد)

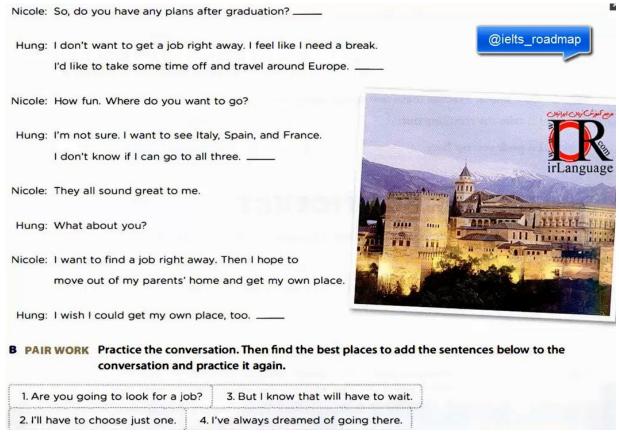
۲۶-باشه، من حدوداً ساعت هفت بعدازظهر ميام.

۲۷-من درست تا نزدیک خوابگاه تون میروم./من

صاف میرم دم خوابگاهت.

۲۸-ىراى ، ىخاطر

لغات و اصطلاحات درس سي و دوم



- 1. so, do you have any plans after graduation?
- 2. I don't want to get a job right away.
- 3. I feel like
- 4. I need a break.
- 5. I'd like to take some time off and travel around Europe.
- 6. how fun!
- 7. where do you want to go?
- 8. I'm not sure. I want to see Italy.
- 9. I don't know if I can go to all three.

۱ –خب،هیچ برنامه ای بعد از فارغ التحصیلی

۲- نمی خواهم بلافاصله کار پیدا کنم.

۳-دلم خیلی میخواد.../هوس کردم..../این

جورحس میکنم که...

داری؟

۴-نیاز به استراحت /وقفه دارم.

۵–دوست دارم مدتی رو مرخصی بگیرم و به

اطراف اروپا سفر کنم.

۶-چه باحال!/چه خوب و مفرح!

٧-کجا میخواهی بروی؟

جهت دانلود فایل های ویدیویی دروس به کانال تلگرام نقشه راه آیلتس مراجعه فرمایید.

- 10. they all sound great to me.
- 11. what about you?
- 12. I want to find a job right away.
- 13. then I hope to move out of my parents' home and get my own place.
- 14. I wish I could get my own place, too.
- 15. Are you going to look for a job?
- 16. I'll have to choose just one.
- 17. I will have to wait
- 18. I've always dreamed of going there.

- ٨-مطمئن نيستم(نميدونم)،ميخواهم ايتاليا را ببينم.
 - ٩-نميدونم كه آيا ميتونم به هرسه تا مكان بروم.
 - ۱۰ -همشون از نظر من عالی بنظر می رسند.
 - ۱۱-شما چطور؟/تو چی؟
 - ۱۲ –میخواهم بلافاصله یک کار پیدا کنم.
- ۱۳ –بعدش امیدوارم از خانه والدینم نقل مکان کنم
 - و مكان خود خودمو بگيرم.
 - ۱۴-کاش من هم میتونستم مکان خود خودمو بگیرم.
 - ۱۵ آیا قصد دارید که بدنبال شغلی بگردید؟
 - ۱۶ –مجبور خواهم شد که فقط یکی را انتخاب

کنم.

۱۷ –مجبور میشم(خواهم شد) که انتظار

بكشم/منتظر بمونم

۱۸ -همیشه رویای رفتن به آنجا را داشته ام.



